

کارگران همه کشورها متحد شوید!



نامہ  
مردم  
ارگان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۷۹۷، دوره هشتم  
سال بیست و سوم ۲۶ مرداد ۱۳۸۷

اعلامیه کمیته مرکزی حزب  
توده ایران به مناسبت  
بیستمین سالگرد فاجعه ملی  
کشتار هزاران زندانی  
سیاسی درص ۶

زبان وفاداران و یاران  
یاد باد درص ۲

“ایشان”  
به یاد سرداران حزب، رفقا حجری،  
باقرزاده، کی منش، ذوالقدر، شلتوکی  
و قربان نژاد درص ۳

دربرابر اهالی مردم زنجان چه  
کسی پاسخگو است؟!  
تشدید فشار بر جنبش دانشجویی  
درص ۴

بن بست در سازمان تجارت جهانی  
درص ۷

تنش در قفقاز خطری برای صلح  
درص ۸

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم “ولایت فقیه!”

## زان وفاداران و یاران یاد باد

با وزیدن بادهای پاییزی، گویی بادهای و خاطره ها با نیرویی شگرف غبار غمگین زمانه را می زدایند و عطر مستی آور هستی سوزان وناب انسان آرمان گرا را برپهنه سرزمین کهنسال ما می افشانند. این عطر افشانی بادهای و خاطره ها، آن هم در بیستمین سالگرد شهادت آگاه ترین و پاک ترین فرزندان مردم زحمتکش، یادآور جمله عمیق و زیبای مارکس است که گفته بود: "خداوند تکامل نوش داروی خود را در کاسه سرشیدان می آشامد."

یاد و خاطره رفقا و یاران شهید ما در بیستمین سالگرد عروج قهرمانانه آنان، صرفاً و فقط ادای احترام و تکریم در برابر مبارزه و ایثارشان نیست. این یادکرد، تجدید عهد و پیمان با این دلاوران و تقویت و استحکام سنگر مبارزه در راه امر مقدس سعادت انسان است. و برای این مقصود مهم، چه تکیه گاه و منبعی مطمئن تر واستوار تر از راه و رسم و ایمان قهرمانان فاجعه ملی، آنهایی که با ایثار خود، ستم و ستمگران را به تسلیم واداشتند و نیروی معنوی عظیمی برای مبارزان نسل نو، پیکار گران جوان امروز جنبش پدید آوردند. آنچه امروز در صحنه سیاسی میهن ما می گذرد و روی آوری نسل جوان به سمت مبارزه و نیروهای ترقی خواه بی هیچ شبهه متاثر از ایثار قهرمانان فاجعه ملی

است. رفیق طبری جمله زیبایی دارد: "هر حادثه ای که در دورانی می گذرد و هر فردی که در در دورانی بسر می برد حتماً وکلاً جزو "تاریخ" انسان نیست. تاریخ آن مسیری است که در آن تکامل مادی و معنوی جامعه انجام می گیرد. طرازندگان نسج تاریخ آن کسانی هستند که در این مسیر می کوشند و برای غلبه امر نو و مترقی از هیچ فداکاری بی تن نمی زنند، در نبرد نو و کهنه زمانی است که کهنه بر سیطره است

و نو نزار و ناتوان. یاران امر نوو مترقی در این هنگام با هجوم های جسورانه به دژ ظلمانی نیروهای ارتجاعی و محافظه کار، حق اهلیت امر نو و مترقی را مبرهن می کنند. فداکاری آنها عبث نیست جانبازی آنها راه گشا و دوران ساز است. بقول گورکی در منظومه شاهین، جنون قهرمانان را ثنا می خوانیم، زیرا جنون قهرمانان خرد زندگی است."

آیا در این مسیر تکامل، یاران شهید ما خردمندترین "سواران دشت امید" محسوب نمی شوند؟! آیا زندگی برای یک مبارز آرمان گرا بدون چنین ایثار و فداکاری معنا می دهد؟!!

چرا نباید در مبارزه دشوار کنونی اثر معنوی ژرف رفقا و قهرمانان خود را به حساب نیاوریم. مبارزه امروز، مقاومت امروز استمرار نبرد آنهاست که ایثار و شهادتشان ره توشه پیکار کنونی به شمار می آید و این دقیقاً همان مطلب مهمی است که جنایتکاران خواستار تکذیب و پنهان داشتن آن هستند. رژیم ولایت فقیه فاجعه ملی را سازمان داد تا مبارزه را برای همیشه خاموش سازد. جان های شیفته را بردار کرد تا به زعم خویش

وفاداری به امر مردم، میهن دوستی و عدالت را در خاک کند و ریشه اندیشه های نو و مترقی را یکبار برای همیشه بخشکاند. ولی امروز پس از بیست سال از آن فاجعه فراموش نشدنی، چه تصویر و دورنمایی در برابر ما قرار دارد؟!!

آرامش گورستانی را می بینیم یا تکاپوی امید بخش کار و پیکار و همبستگی را که استبداد ارتجاع از آن درهراس بسر می برد!

به قول آموزگار بزرگ زحمتکشان ایران، دکتر تقی ارانی، هیچ بذری در کشتزار تاریخ به هدر نمی رود! در عزم و اراده نسل نو مبارزان می توان پیوند اندیشه ها و آرمان های نسل های دیروز، به ویژه قهرمانان فاجعه ملی، را به روشنی مشاهده کرد. این پیوند اثر جانبازی و فداکاری و ایثار فاتحان شکنجه گاه های رژیم ولایت فقیه یعنی مبارزان شهید فاجعه ملی را با خود همراه دارد و چه چیز بالاتر از این حضور نیرومند و تکان دهنده! حضوری که هرروز، هر ساعت و هر لحظه می توان آن را احساس کرد. هنوز نگاه مصمم رفیق محمد جواد لاهیجانیان، فروتنی ناب و شخصیت والای رفیق مرتضی کمپانی، نجابت و وفاداری رفیق گل علی آتیک، مقاومت بی نظیر رفقا امیر نیک آیین و هدایت معلم، ایستادگی و دلآوری رفیق حسین قلم بر، استواری و شجاعت رفقا سرهنگ افرایی، سرگرد ظفرحیدری، ناخدا بیدگلی و سرهنگ غیاثوند، سیمای محبوب و آرام مبارزان تسلیم ناپذیر محمدمهدی مومنی، فیروز همجوار، محسن دلجانی، حسن جلالی حیدرنیکو، مهرداد دستگیر و سه برادر قهرمان توده ای رفقا حسن، رضا و جواد محمد زاده و دیگر یاران شهید الهام بخش پویندگان و مبارزان راه خوشبختی است و در تمام زاویه های پیدا و پنهان جامعه تاثیر گذار و انگیزه آفرین است! پس از دو دهه، یعنی بیست سال، رژیم ولایت فقیه با همه امکانات و قدرت اهریمنی خود توان نادیده انگاردن و خنثی و بی اثر ساختن این حقیقت را ندارد. باید پرسید اکنون پس از گذشت ۲۰ سال از جنایت فراموش نشدنی فاجعه ملی، در پیشگاه تاریخ و در برابر داوری مردم ایران، چه کسانی زنده و استوار و چه کسانی مطرود و مرده تلقی می شوند؟! در بیستمین سالگرد فاجعه ملی بار دیگر با گرمی داشت یاد و خاطره یاران شهید و سربلند خود، با آنان در راه مبارزه برای خوشبختی انسان تجدید عهد و پیمان می کنیم!

"... اینک مائیم و ما و سرخ گل ما و چشم تر

با توده های پر

از بلبلان گمشده در پرده سحر

اما بگوش می شنوم من ز عمق باغ

آواز بلبلان بهاران دور را

زنیرو دوباره خشت نوین می نهم به خشت

تا برکنم به چشم تو قصر غرور را ..."

سیاوش کسرائی، بخشی از شعر بلند  
هدیه برای خاک - دی ماه ۱۳۶۸



دربستیمین سالگرد فاجعه ملی، به یاد همه دلاوران  
سربلند و قهرمان

## خاوران

از خاوران دریای بیداری هویدا است  
دراونشان راه مهر افروز فردا است

انبوهی از خورشید واران در دل او است  
فخر چنین خاکی از اینجا تا ثریا است

آیین رزم مردمی می تابد از او  
او شعله ی هستی افروز روشنی هاست

درروزگاری به غایت شوکرانی  
دست پلید اهرمن کرد آنچه می خواست

تا کاروان روشنی خاموش سازد  
از خون سرخ اختران، شامی درآراست

درآستان لحظه های سایه روشن  
زد جمله ی رزم آوران را بی کم و کاست

آتش به جان جنگل شعر وادب ریخت  
آن سان که دهر از این تبهکاری غم آواست

مهر، آفرینش می دهد ظلمت، تباهی  
راز نبرد نور و اهریمن دراینجاست

درواپسین دم، این سرود اختران بود  
کز بام زندانها به سوی جاویدان خاست

یاران قسم برتکیه گاه رزم و پیکار  
پیروز و سرمستی آینده با ماست

چون موج خیزد لاجرم می ربود از خویش  
هرجا پلشتی، ناروا برسطح دریاست

ترفند جانکاه قرون کافی است کافی است  
هان ای سیاهی ایست نوبت نوبت ماست!

ایرج  
مرداد ۱۳۸۷

## اشار

به یاد سرداران حزب، رفقا حجری، باقرزاده، کی منش،  
ذوالقدر، تسنوکی و قربان نژاد

\*دربستیمین سالگرد فاجعه ملی و در یاد کرد از همه شهیدان  
سرافراز حزب و جنبش، نامه مردم مطلب کوتاه اما پرمعنایی از زنده  
یاد رفیق احسان طبری تحت عنوان "اشار" را به نقل از کتاب نوشته  
های فلسفی و اجتماعی، به خاطره تابناک سرداران شهید حزب  
وقهرمانان وفاتحان شکنجه گاه های رژیم شاه و ولایت فقیه،  
انسان های والایی که زندگی و جوانی خود را نثار مردم کردند،  
تقدیم می کند!

"...انسان خردمند نه تنها مرگ را با درک منطقی و متانت معنوی تلقی می کند،  
بلکه اگر لازم باشد، جان خود را نیز نثار می کند.

می گویم "اگر لازم باشد" یعنی هر گاه که نثار جان شرط ضرور برای دفاع و حفظ  
یک فضیلت انسانی است، و به سود انسان ها است و درجهت منافع تکامل و تاریخ  
است، والا زندگی هر انسان سرمایه ای بی همتا و گران بها است. آری نباید به  
ژنده زندگی با آرزویانه چنگ زد ولی نباید آن را با دیوانه سری سوخت و نابود  
کرد. باید آن را با دقت و احساس مسئولیت درجهت تکامل تاریخ، درجهت تکامل  
آن گوشه و آن لحظه تاریخ که به ما سپرده شده است، تا حد ایشار، صرف کرد.  
طبیعت خود مرگ و زوال را از جهتی با پیر شدن موجود زنده تدارک می کند.  
آنکرتونت شاعر یونان باستان پیری را از مرگ بلایی شوم تر می شمرد. اگر از  
شاعرانه بودن این سخن بگذریم، باید گفت پیری نیز شری نیست بلکه تدارک  
طبیعی مرگ است. ولی ای چه بسا که آدمی داوطلبانه، درعین نشاط حیات،  
دربحبوحه جوش زندگی به دنبال اجراء وظیفه انسانی خود می رود و حیات  
دراسارت، پستی را برمی تابد و آن را به چهره ستمگر و جهالت پرور می کوبد و  
مرگ را به عنوان افزار نبرد می پذیرد.

به سوی ایشار یا کسانی می روند که مانند عرب نو مسلمان و فدایی صباحی  
درآرزوی بهشت و بقاء خیالی هستند ویا کسانی که معنای زندگی، سمت و وظیفه  
آن را درک کرده اند و بالاتر از آنند که به خاطر ماندن چند سالی بیشتر برای زمین  
جبهه سایی کنند، دروغ بگویند، برده شوند، تن به رذالت وخیانت دهند، سالوسی و  
تزویر را برخود هموار کنند.

ایشار جان درراه وظایف و فضایل انسانی پیوسته یکی از زیباترین و عالی ترین  
اقدام حیاتی یک انسان است.

این فضیلت ویژه قهرمانان تاریخ است. و هرچون وزبونی را ارزانی نشده و لذا  
بشریت دربرابر قهرمانان تاریخ سرتجلیل فرود می آورد. و اگر بخوایم از این گفتار  
نتیجه بگیریم، نتیجه چنین است: زندگی را دوست بداریم، آن را درجهت تکامل  
تاریخ ومصالح انسان صرف کنیم. با مرگ خون سرد و متین روبه رو شویم، اگر  
لازم شود زندگی را به خاطر زندگی نثار کنیم. ماتم مرگ را به دورافکنیم و باورمند  
باشیم که اصالت با زندگی است و بشر بیش از پیش آن را خواهد آراست و آوند آن  
را از، زلال بهرورزی خواهد آمود."

\*احسان طبری، نوشته های فلسفی و اجتماعی، جلد اول صفحات  
۳۷۴-۳۷۵، انتشارات حزب توده ایران چاپ سوم-۱۳۸۶

آزادی برای همه زندانیان سیاسی ایران!



### آزادی برای همه دانشجویان در بند!

حاضر به پرداخت اعتبار ضرور برای جلوگیری از گسترش این فاجعه نشده است. نمی دانم چرا این مجتمع سرب و روی در این منطقه احداث شده، فعالیت این کارخانه در این مکان با هیچ عقل سلیمی قابل توجیه نیست.

درمقابل، مدیران این کارخانه ها به خبرنگار ایسنا یادآور شده اند: "ما داریم تلاش می کنیم به حد استاندارد لازم برسیم تا آلودگی ایجاد نشود."

یکی از اهالی شهر درمقابل ساختمان شورای شهر به خبرنگاران یادآوری کرد: "آقای احمدی نژاد قول داده بود پول نفت را به مردم بدهد، حالا یک روز پول فروش نفت را به انتقال مکان این کارخانه اختصاص دهد، مردم زنجان درمرگ تدریجی بسر می برند، ما در معرض بمباران شیمیایی آرام قرار گرفته ایم، تاخیر در تعطیل یا انتقال کارخانه به مکان دیگری نوعی جنایت بشری محسوب می شود."

لازم به تذکر است که کارخانه های سرب و روی زنجان ۱۷ سال پیش در دوران به اصطلاح سازندگی توسط دولت رفسنجانی به عنوان یک نمونه عالی "صنعتی شدن" احداث و افتتاح گردید. در این کارخانه های سپاه پاسداران و بنیادهایی چون شهید و مستضعفان سهامدار عمده می باشند. هنگام احداث این کارخانه کارشناسان با محل آن به دلیل نزدیکی به شهر و به این دلیل که رسوبات و ذرات سرب به شدت سلامت و تندرستی اهالی شهر را به خطر خواهد انداخت مخالفت کرده بودند ولی "سردار سازندگی" برای اثبات توانایی "دولت سازندگی" بی توجه به نظر کارشناسان دستور احداث آن را صادر کرده بود. اینک این محصول "دولت سازندگی" به همان اندازه که برای سپاه و بنیاد های انگلی سود آور و ثروت آفرین است، برای اهالی شهر زنجان مرگ و بیماری به همراه آورده و به راستی در برابر چنین فجایعی چه کسی پاسخگو است!؟

### تشدید فشار بر جنبش دانشجویی

تهدید فعالان دانشجویی، ایجاد جو رعب در میان دانشجویان و صدور احکام زندان برای مبارزان جوان در بند طی هفته های اخیر ابعاد بسیار گسترده یافت. به گزارش خبرنگار امیر کبیر شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب اسلامی تهران یکی از اعضای شورای مرکزی دفتر تحکیم وحدت را به ۳ سال حبس تعزیری محکوم کرد. وکیل مدافع این دانشجوی در بند به خبرنگاران خاطر نشان ساخت: "شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب اسلامی تهران علی غریزی را به سبب اقدام بر ضد امنیت ملی از طریق شرکت در تجمعات روز دانشجویی سال ۱۳۸۵ محکوم کرده است، همینطور قاضی پرونده تاکید کرده که موکل من به تبلیغ علیه نظام از راه مصاحبه با رسانه های مختلف مبادرت ورزیده که این اتهامات را رد کرده ایم ولی با همه تلاش ها حکم ۳ سال حبس تعزیری صادر شد و جالب اینجاست رییس دادگاه در گفتگو با من قبل از تشکیل دادگاه متهم را مجرم قلمداد می کرد..."

علاوه بر این قاضی حسن حداد در گفتگویی با خبرنگاری ایسنا در خصوص پرونده دو تن از اعضای بازداشت شده شورای مرکزی دفتر تحکیم وحدت از جمله گفت، آنها در ارتباط با برخی گروه های "ضد انقلاب" خارج از کشور قرار داشتند وی تصریح کرد: "تحقیقات لازم در این رابطه صورت گرفته و گزارش ها به طور جدی بررسی و موضوع ارتباط با برخی گروه های ضد انقلاب خارج کشور ثابت شده است." تا به حال هیچ ارگان رسمی و از جمله دادگاه های انقلاب اسلامی بطور مستند این ادعاها و اکاذیب را تایید نکرده اند. از سوی دیگر به گزارش پایگاه های خبری دانشجویی مانند خبرنگار امیرکبیر و خبرنگار آزادی و برابری، "فعالان جنبش دانشجویی در شهر کرمانشاه از سوی افراد ناشناس که به نظر می رسد از نیروهای وابسته به نهادهای اطلاعاتی هستند مورد تهدید دایمی قرار گرفته اند."

ارسال پیامک های (اس-ام-اس) تهدید آمیز تا حد تهدید به مرگ، مراجعه به منازل فعالان و آزار و اذیت خانواده ها با هدف ایجاد جو رعب و وحشت و نیز پیام های تلفنی در نیمه های شب و جز اینها از زمره موارد مشخصی است که فعالان دانشجویی کرمانشاه با آن روبرو شده اند. همچنین یک دانشجوی دانشگاه رازی کرمانشاه که در سال ۱۳۸۶ همراه با سه دانشجوی دیگر بازداشت شده



### در برابر اهالی مردم زنجان چه کسی پاسخگو است!؟

اعتراضات مردمی در سطح شهر زنجان طی ماه های اخیر سرانجام به صفحات مطبوعات کشور کشید. چندین ماه است مردم این شهر در اعتراضات گوناگون از راه پیمایی و تحصن تا امضای تومار خواستار رسیدگی به وضعیت سلامت و بهداشت در زنجان شده اند.

به گفته رییس شورای شهر زنجان، بیماری سرطان در این شهر در حال افزایش است و علت آن هم فعالیت کارخانه های سرب و روی در ۱۵ کیلومتری این شهر است که فاقد استانداردهای لازم ایمنی زیست محیطی است.

خبرگزاری ایسنا ۴ مرداد ماه در گزارشی پیرامون افزایش بیماری های مهلک در شهر زنجان از جمله نوشت: "رییس شورای شهر زنجان تاکید می کند، آثار ناشی از آلودگی کارخانجات سرب و روی جان مردم زنجان را تهدید می کند و باید پاسخی عملی و کارشناسی در این زمینه اعلام شود، مثلا بیماری سرطان روز به روز در حال افزایش است، زیرا متأسفانه استانداردهای لازم زیست محیطی در کارخانجات سرب و روی زنجان رعایت نشده و بی توجهی از سوی برخی مدیران نیز باعث شده تاکنون اقداماتی در زمینه مکان یا بی و انتقال این کارخانه صورت نگیرد."

در ادامه گزارش خبرگزاری ایسنا تاکید می گردد: "اهالی روستای دیزج آباد در نامه ای خطاب به مسئولان خواستار پلمپ کردن کارخانه و نجات جان هزاران نفر از مردم زنجان شده اند. میزان مرگ و میر و ابتلا به انواع بیماری ها از جمله سرطان در زنجان افزایش یافته ولی مسئولان کارخانه با حمایت ارگان های دولتی در فکر جابه جایی محل و مکان این مجتمع نیستند. در گذشته به علت عدم شناخت کافی از منطقه، این کارخانه احداث شد و امروزه مشکلات خود را نشان می دهد، اعتراضات در زمینه تعطیلی یا جابه جایی کارخانه سرب و روی در شهر زنجان فراگیر بود و جنبه عمومی دارد."

مطابق گزارش ایسنا، یکی از کارشناسان وزارت بهداشت یادآور می شود: "سرب خیلی خطرناک است، اکنون فعالیت این کارخانه انسان ها و طبیعت را آلوده ساخته و باید هر چه زودتر زمین های منطقه پالایش و رفع آلودگی شوند که البته هزینه می خواهد و تا اکنون هیچ نهادی

### ادامه نگاهی به رویدادهای ...

بود به پنج سال حبس تعزیری محکوم گردیده و به گفته رییس حراست دانشگاه رازی این حکم "درس عبرتی" برای بقیه خواهد بود!!! طبق گزارشات موقف از وضعیت حداقل ۳ دانشجوی دانشگاه تبریز کماکان اطلاعی در دست نیست و گزارشاتی مبنی بر شکنجه آنها برای اعترافات تلویزیونی در میان خانواده ها و دانشجویان تبریز رواج یافته است. در اراک دانشجویان دربند در اعتراضی به رفتار نامناسب و خشن ارگان های امنیتی تهدید به اعتصاب غذا کرده اند.

در شهر سنجند اعمال فشار از سوی اطلاعات سپاه به خانواده دانشجویان مبارز به نحو چشمگیری افزایش پیدا کرده و خانواده ۲ تن از فعالان دانشجویی به شدت مورد تهدید قرار گرفته اند.

هدف از تشدید این فشارها مهار جنبش دانشجویی و شکستن اراده فعالان این جنبش است که بی شک رژیم در این هدف شوم خود موفق نخواهد شد. جنبش دانشجویی ریشه های عمیق اجتماعی دارد و نمی توان آن را با اعدام و شکنجه و رعب و وحشت خاموش ساخت.

### "زنان روستایی و تسهیلات بانکی"

گزارشات متعددی حاکی از وضعیت دردناک هزاران زن سرپرست خانوار ساکن روستاهای کشور است. چندی پیش خبرگزاری مهر در گزارشی با تاکید بر پیامدهای خشکسالی در روستاهای ایران با صراحت اشاره کرده بود، زنان روستایی سرپرست خانوار بیشترین آسیب ها را دیده و متحمل زیان های مادی و معنوی بسیار شدید هستند. یکی از این زنان به خبرنگاران اعزامی خاطر نشان ساخت: "ما به امان خدا رها شده ایم، نه کاری هست و نه حمایتی از طرف دولت می شود. با خشکسالی امسال هم دار و ندار خود را از دست داده ایم." یکی از مشکلات این زنان زحمتکش روستایی که بار تامین زندگی خانواده های خود را به تنهایی بردوش می کشند پرداخت قسط وام هایی است که به عنوان تسهیلات قرض الحسنه طی چندین سال اخیر دریافت کرده اند. زنان روستایی سرپرست خانوار اینک با گذشت بیش از ۴ سال قادر به پرداخت اقساط این تسهیلات نیستند و از سوی سیستم بانکی در تنگنای جدی قرار گرفته اند و هیچ ارگانی نیز از حقوق آنها حمایت نمی کند. به گزارش خبرگزاری فارس ۳۰ تیرماه امسال، مشاور مدیرعامل بانک کشاورزی در گفت و گو با این خبرگزاری یادآوری کرد: "از ابتدای طرح توانمند سازی زنان سرپرست خانوار به ویژه در روستاهای کشور تا پایان سال ۱۳۸۶، مبلغ ۴۰ میلیارد ریال تسهیلات خرد قرض الحسنه به زنان سرپرست خانوار روستایی پرداخت شده است و بطور کلی ۱۶۱ هزار و ۲۰۰ نفر از زنان سرپرست خانوار تحت پوشش این طرح قرار گرفته اند." به گفته این مقام رسمی بانک کشاورزی تسهیلاتی که به صورت قرض الحسنه و برای فعالیت خود اشتغال زایی تا سقف ۶ میلیون ریال می بایست به زنان سرپرست خانوار روستایی تعلق گیرد، عمدتاً صرف مسایل دیگری شده و دردی از این زنان زحمتکش دوا نکرده است. علاوه بر این آن تعدادی هم که از این تسهیلات استفاده کرده اند، با توجه به شرایط حاکم بر روستاهای کشور در حال حاضر قادر به بازپرداخت اقساط این تسهیلات نیستند. مطابق آمار ارائه شده بسیاری از زنان سرپرست خانوار روستایی در استان های آذربایجان شرقی، فارس، کرمان، لرستان و اصفهان چنان در چنگال فقر و تنگدستی گرفتار می باشند که حتی نمی توانند احتیاج روزمره خود و خانواده هایشان را تامین کنند چه برسد به بازپرداخت اقساط تسهیلات بانکی! دولت احمدی نژاد و سیستم بانکی کشور به جای مساعدت و یاری به این زنان فقیر و بی پناه درصدد اعمال فشار به آنها برای پرداخت اقساط وام ها هستند و در این زمینه علاوه بر جریمه نقدی، زندان نیز در نظر گرفته شده است. مشاور بانک کشاورزی در این زمینه از "اقدام قاطع برای وصول اقساط وام ها" سخن گفته است. قوه قضاییه نیز آمادگی خود را برای برخورد قانونی با زنان "متخلف" اعلام کرده و برای گروهی زن زحمتکش که تنها نان آور خانواده ها به شمار می آیند، خط و نشان می کشد! جنبش زنان می باید در فعالیت و تلاش پرارزش خود منافع و خواست های این دسته از زنان طبقات محروم جامعه را بازتاب داده و از آن حمایت کند!

### ادامه بحران در قفقاز خطری ...

به عنوان بخشی از نیروهای مسلح روسیه وارد منطقه خود مختار آبخازی ساخت. همچنین گرجستان در اقدامی تحریک آمیز از خرید هواپیماهای بدون سرنشین جاسوسی از اسرائیل خبر داد.

ادامه تنش های اخیر در قفقاز را خطرناک می سازد، تمایل کاملاً آشکار دولت تفلیس در تسریع پیوستن خود به سازمان تجاوز کارانه ناتو است.

مسئله مناطق خود مختار نشین آبخازی و اوستیای جنوبی، یک کشمکش تازه و نوظهور در قفقاز و در روابط میان روسیه و گرجستان نیست. پس از فروپاشی اتحاد شوروی، منطقه آبخازی که در ترکیب جمهوری گرجستان شوروی قرار داشت، استقلال خود را از تفلیس اعلام کرد. در اواسط سال ۱۹۹۲ گرجستان واحدهای نظامی خود را برای الحاق دوباره این منطقه به خاک کشورش وارد آبخازی کرد که با مقاومت مسلحانه شدید روبرو گردید. این درگیری نظامی با حمایت روسیه منجر به اعلام موجودیت جمهوری خودمختار آبخازی شد.

روسیه همواره از موجودیت مناطق خودمختار نشین آبخازی و اوستیای جنوبی که طرفدار رابطه نزدیک با روسیه می باشند، در مقابل سیاست های توسعه طلبانه امپریالیسم و برنامه گسترش ناتو به شرق همچون اهرم فشاری سود برده و اینک نیز کشمکش بر سر این مناطق ارتباط مستقیم با سیاست های تحریک آمیز امپریالیسم و پیمان تجاوز کارانه ناتو دارد. روسیه تاکنون بر خلاف تبلیغات رسانه های بین المللی غرب مستقیماً از تمایلات استقلال طلبانه آبخازی و اوستیای جنوبی حمایت نکرده است.

به هر روی تنش های فزاینده و درگیری های تشدید نظامی، صلح و ثبات قفقاز و همسایگان آن از جمله میهن ما ایران را تهدید می کند. درگیری نظامی، روابط خصمانه و تشنج بدون شک منافع و امنیت همه کشورهای این منطقه را به چالش گرفته و فقط به سود سیاست های توسعه طلبانه امپریالیستی است.

این حقیقتی است که سیاست مداخله جویانه امپریالیسم به ویژه امپریالیسم آمریکا در منطقه وارد مرحله ای نوین گردیده، در این میان میهن ما به دلایل کاملاً روشن و سیاست های ارتجاع حاکم در وضعیت ضعیف و آسیب پذیرتر از دیگران قرار دارد.

بحران در قفقاز و تنش های خطرناک میان گرجستان و روسیه و برخورد های خونین نظامی اخیر به زبان صلح در منطقه و حقوق و منافع همه کشورهای آن از جمله میهن ما، ایران است!

### ادامه بن بست در سازمان ...

شوند. بنابه آماری که چندی پیش برخی مطبوعات فرانسه از جمله لوموند دیپلماتیک منتشر ساختند. کشورهای بزرگ صادرکننده محصولات کشاورزی بیشترین سود را از تورم جهانی و افزایش قیمت ها کسب کرده می کنند. در اس این کشورها آمریکا قرار دارد که در سال ۲۰۰۷ درآمد صادرات کشاورزی آن بالغ ۸۵ میلیارد دلار بود و وزارت کشاورزی آمریکا برآورد کرده در سال ۲۰۰۸، این درآمد حداقل ۵٪ برابر افزایش خواهد یافت.

در فرانسه سود شرکت های واسطه ای که خود را کمتر در معرض نمایش می گذارند و به تجارت غله اشتغال دارند سربه میلیاردها یورو می زند. سال ها پیش، در اواسط دهه نود سده بیستم در سال ۱۹۹۵ سرمایه داری که تاریخ را پایان یافته معرفی می کرد، هنگام تاسیس سازمان تجارت جهانی و جایگزینی آن با گات (توافق نامه عمومی درباره تعرفه های گمرکی و بازرگانی) از زبان مسئولان صندوق بین المللی پول و بانک جهانی اعلام کرده و قول داده بود با افزایش گردش کالا و آزاد سازی و خصوصی سازی اقتصاد و آزاد سازی تجارت جهانی و حذف مقررات و قوانین دست و پا گیر چون تعرفه های گمرکی و یارانه های حمایتی، فقر و گرسنگی در جهان ریشه کن خواهد شد! اما تصویر جهان امروز درست عکس این را ثابت می کند. بشریت امروز در چارچوب جهانی شدن در فقر و گرسنگی دست و پا می زند و هرگز ناامنی، جنگ، فقر و گرسنگی و تجاوز طلبی تا به این اندازه رشد و گسترش نداشته است. بن بست کنونی در سازمان تجارت جهانی دقیقاً به علت چنین عواملی است!

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران به مناسبت بیستین سالگرد فاجعه ملی کشتار هزاران زندانی سیاسی



## بیست سالگی فاجعه ملی

فکری شماری جنایتکار است که ملبس به لباس "روحانیت" تنها سلاح شان در برابر فکر و منطق شلاق، داغ، درفش و طناب دار است. سکوت بیست ساله سران رژیم درباره این جنایت و ادامه همان روش های شکنجه و آزار در زندان های رژیم، که ما امروز بار دیگر در مقابله با دانشجویان آزادی خواه، سندیکالیست ها و فعالان جنبش زنان شاهد آن هستیم، نشانگر این واقعیت انکار ناپذیر است که حیات رژیم ولایت فقیه با جنایت و سرکوب آزادی و آزادی خواهان گره خورده است و یگانه راه استمرار و ثبات آن توسل به همین شیوه های ضد مردمی است.

هم میهنان آگاه و مبارز!

حزب ما در جریان فاجعه ملی، صدها تن از رهبران، کادرهای برجسته و اعضای و هواداران خود را از دست داد. در میان رهبران و کادرهای قتل عام شده حزب ما شماری از اسطوره های پایداری دوران ستم شاهی، کسانی که بیش از بیست و پنج سال از عمر خود را در زندان های رژیم شاه سپری کرده بودند، و تعدادی از برجسته ترین متفکران، روشنفکران، نویسندگان، و مترجمان برجسته، هنرمندان بنام، افسران شجاع نیروهای مسلح، سندیکالیست های مبارز و نمایندگان کارگران و زحمتکشان به چشم می خورد.

حزب ما و سایر نیروهای آزادی خواه، ملی و دموکراتیک کشور وظیفه انسانی و انقلابی خود می دانند که تا روشن شدن و محاکمه مسببین این جنایت هولناک همچنان پیگیرانه به تلاش های خود در زمینه پرده دری از این توطئه شوم تاریخ سال های اخیر میهن ما ادامه دهند.

حزب ما در دوران حکومت دولت سید محمد خاتمی، مکرراً یاد آور شد که سکوت درباره این فاجعه هولناک تاریخی تنها به منزله باز گذاشتن دست جنایتکاران برای ادامه جنایت است. در این دوران با وجود همه تلاش های خانواده های قربانیان فاجعه ملی، برغم همه نامه نگاری ها و طومارها، و با وجود قول های داده شده هیچ گامی، هرچند کوچک، در زمینه روشن شدن حقایق و ابعاد این فاجعه تاریخی بر داشته نشد. ادامه آزار و اذیت دگراندیشان و شکنجه های وحشیانه در سیاه چال های رژیم، قتل های زنجیره ای ادامه اعدام های مخفیانه، جنایت در جریان حمله به دانشگاه های کشور در ۱۸ تیرماه ۱۳۷۸، اعدام های وسیع و تکان دهنده هفته های اخیر و خطراتی که این روزها جان دانشجویان، سندیکالیست ها و فعالان جنبش زنان را تهدید می کند، ثمره مستقیم و غیر مستقیم سکوت و بی عملی در مقابل جنایتکاران است.

باید همه تلاش ها را برای شکستن توطئه سکوت در باره فاجعه ملی تشدید کرد. تشدید مبارزه و فشار برای باز کردن پرونده این جنایت و تلاش در راه روشن کردن همه ابعاد گوناگون آن، رسیدگی به خواست خانواده های قربانیان این فاجعه هولناک بی شک نقش مهم و تعیین کننده در مبارزه بی دارد که در میهن ما برای دست یابی به آزادی، دموکراسی و عدالت اجتماعی در جریان است. وظیفه اخلاقی، انسانی و تاریخی همه نیروهای ترقی خواه و مدافع آزادی است که تلاش های خود را برای تحقق این مهم تشدید کنند.

خاطره تیاناک مبارزات دلیرانه این قهرمانان خاموش خلق در تاریخ مبارزات رهایی بخش میهن ما ماندگار است.

درد آتشین بر این فرزندان شایسته خلق های ما!

نگ و نفرت بر آمران و عاملان جنایت مدهش فاجعه ملی!

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۲۵ مرداد ماه ۱۳۸۷

هم میهنان شریف و آگاه!

با فرا رسیدن مرداد و شهریور ۱۳۸۷، بیست سال از سازمان دهی و اجرای یکی از تکان دهنده ترین جنایات سیاسی تاریخ معاصر میهن ما، یعنی فاجعه ملی قتل عام هزاران زندانی سیاسی، به فرمان خمینی، می گذرد.

بیست سال پیش، در پی شکست خفت بار سیاست ایران بر باد ده "جنگ، جنگ تا پیروزی"، که سران رژیم به رغم مخالفت اکثریت مردم و نیروهای ملی و آزادی خواه بر میهن ما تحمیل کرده بودند، و نوشیدن "جام زهر صلح" به منظور جلوگیری از اوج گیری جنبش اعتراضی توده ها، جلادان رژیم ولایت فقیه، که شماری از آنان در کابینه، و دستگاه های دولت احمدی نژاد و دیگر پست های کلیدی حکومتی جا خوش کرده اند، مرتکب یکی از هولناک ترین جنایات سیاسی تاریخ میهن ما شدند.

میراث خواران استبداد ولایت فقیه: خامنه ای، رفسنجانی، جنتی، و دیگر مهره های رژیم جهل و استبداد که نگران حیات سیاسی خود پس از خمینی بودند، با سازمان دهی این کشتار همگانی جمعی از پیگیرترین، استوارترین، باورمندترین شخصیت های فرهنگی، سیاسی، و اجتماعی مترقی و مردمی را به قتل رساندند تا آینده سیاسی و ادامه حکومت جهل و جنایت را برای دورانی طولانی تأمین کنند.

مدعیان "نظام نمونه جهان" هراسان از اندیشه های تاریخ ساز مدافعان آزادی، دموکراسی، عدالت و پیشرفت اجتماعی حتی قوانین و احکام بیدادگاه های قضایی خود را نیز لگدمال کردند و هزاران زندانی سیاسی را که قبلاً محاکمه و به زندان های طویل المدت محکوم شده بودند، در گروه های بزرگ به جوخه های اعدام سپردند و هراسناک از خشم خلق در گورهای جمعی، در گلستان خاوران، به خاک سپردند.

امروز پس از گذشت بیست سال هنوز اطلاعات دقیق و روشنی از شرایط دهشتناکی که در آن روزهای تاریک بر زندان های رژیم حاکم بود و زندانیان را گروه گروه به مقابل هیئت سه نفره جلادان رژیم ولایت فقیه می بردند، که یا توبه کنند و یا به اعدام محکوم شوند، در دست نیست. کشتار زندانیان سیاسی در سکوت کامل خبری، بی اطلاعی خانواده ها از وضعیت عزیزانشان، طی چند هفته در زندان ها سازماندهی و با اطلاع و موافقت کامل رهبران درجه اول رژیم از جمله خمینی، رفسنجانی و خامنه ای و دیگران به اجراء درآمد. مخالفت آیت الله منتظری با این جنایات هولناک و نامه افشاگرانه و اعتراضی او به خمینی یگانه نمونه مخالفت درونی با جنایتی بود که دستگاه رهبری رژیم ولایت فقیه بر ضد میهن ما تدارک و اجرا کرد.

کمیته مرکزی حزب توده ایران، در اعلامیه مهمی که آذرماه ۱۳۶۷ صادر کرد، این قتل عام تکان دهنده را "فاجعه ملی" خواند و نوشت: "این فاجعه مصیبت بار ابعاد بسیار وسیع، هولناک و تکان دهنده دارد. حرف بر سر کشتار صدها تن از کادرها و اعضای برجسته حزب توده ایران و دیگر سازمان ها و نیروهای انقلابی و ترقی خواه مخالف رژیم است. با یک دنیا دریغ و درد باید گفت که پس از "خانه تکانی" خونبار رژیم در دخمه های دوزخی خود، خلق ایران و جنبش انقلابی میهن ما، جمعی از آگاه ترین، آزموده ترین و فداکارترین فرزندان خود را از دست داده است. تبهکاری های اخیر رژیم خودکامه خمینی، به ویژه فاقد هرگونه پشتوانه قانونی، حقوقی، مدنی، اخلاقی و انسانی و یادآور اقدامات جنون آمیز فاشیست های هیتلری در اردوگاه های مرگ است..."

بیست سال پس از این جنایت هولناک خانواده های قربانیان فاجعه ملی هنوز حتی نتوانسته اند عزیزان خود را آن طور که شایسته و بایسته است به خاک بسپارند. رفسنجانی و دیگر سران رژیم در آن دوران برای سر پوش گذاشتن بر این جنایت هولناک از اعدام معدودی "تروریست" در زندان ها خبر دادند در صورتی که سازمان های حقوق بشر شمار زندانیان سیاسی قتل عام شده را بیش از پنج هزار نفر تخمین زده اند. شیوه سازماندهی این جنایت هولناک، که از دادگاه های قرون وسطایی تفتیش عقاید، یعنی از همان نوع دادگاه هایی که گالیله در مقابل آنها باید به مسطح بودن زمین "اقرار می کرد"، نمونه برداری شده بود در عین حال نشانگر اوج ورشکستگی اخلاقی و

## بن بست در سازمان تجارت جهانی

گفتگوهای ژنو که نمایندگان ۱۵۳ کشور عضو سازمان تجارت جهانی در آن حضور داشتند به شکست انجامید و این نهاد که در کنار صندوق بین المللی پول و بانک جهانی یکی از سه رکن اساسی نظم نوین جهانی و روند جهانی شدن را تشکیل می دهد با یک بن بست واقعی روبرو گردید.

مذاکرات ژنو، ادامه گفتگوهای سال ۲۰۰۱ شهر دوحه بود که بسیاری از انحصارهای فراملی و دولت های امپریالیستی امیدوار بودند در این دور مذاکرات نظرات خود را به کشورهایی همانند چین، هند و برزیل دیکته کرده و توافق مورد نظر خود را به همه کشورهای در حال رشد تحمیل کنند. در سال ۲۰۰۱ میلادی سازمان تجارت جهانی در کنفرانس دوحه نتوانست به یک توافق و هماهنگی درباره میزان یارانه ها و تعرفه کالاهای وارداتی دست یابد و به دنبال این مسئله، قرار شد مذاکرات در خصوص موارد فوق ادامه یابد. اینک پس از ۷ سال باردیگر سازمان تجارت جهانی با شکست روبرو و در بن بست قرار گرفته است که بسیاری از کارشناسان بانک جهانی و صندوق بین المللی پول با توجه به بحران اقتصادی موجود در جهان این شکست را برای "اقتصاد بازار آزاد" و "تجارت جهانی" و "آزادی تجارت" خطرناک ارزیابی می کنند.

بن بست در مذاکرات ژنو به گفته آقای پاسکال لامی دبیرکل سازمان تجارت جهانی: "هرگونه امید برای دست یابی به بازارهای بیشتر و رقابتی، کاهش و حذف یارانه ها و تقویت نظام آزادی تجارت جهانی را به یاس تبدیل کرد."

به علاوه پیترو مندلسون، نماینده ارشد اتحادیه اروپا، در گفتگوهای ژنو، روند مذاکرات و شکست آن را به مراسم تدفین تجارت آزاد تشبیه کرد و موضع کشورهای چون چین، هند، آرژانتین و شماری از کشورهای آفریقا و آمریکای لاتین در رابطه حذف یارانه های مواد غذایی و تولیدات کشاورزی را به باد انتقاد گرفت و آن را محکوم ساخت. طی ۹ روزی که مذاکرات ژنو جریان داشت آمریکا، اتحادیه اروپا، کانادا و استرالیا فشار طاقت فرسایی را به چین و هند وارد ساختند که بتوانند نظر موافق این دو کشور در خصوص حذف یارانه ها و تعرفه های گمرکی را به دست بیاورند. اما این دو کشور در مواضع خود ایستاده و از امضا توافق با آمریکا و اتحادیه اروپا امتناع کردند. پس از اعلام شکست مذاکرات، نماینده آمریکا، کشورهای چین و هند را متهم کرد. با گشایش بازارهای خود به روی محصولات صنعتی و کشاورزی غرب مخالف بوده و قواعد سازمان تجارت جهانی را رعایت نمی کنند. نماینده آمریکا با صراحت یادآور شد: "سیاست کشورهای در حال رشد به خصوص چین و هند بسیار نگران کننده و غیر مسئولانه است."

در سازمان تجارت جهانی ایالات متحده آمریکا، اعضای اتحادیه اروپا، کانادا، ژاپن و استرالیا با صراحت ضمن درخواست حذف سیاست های حمایتی در کشورهای آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین خود تمایلی به حذف برنامه حمایتی و یارانه های هنگفت به ویژه در بخش کشاورزی ندارند و همین امر با مقاومت هند، چین و تعداد دیگری از کشورها روبرو گردیده است. درحقیقت کشورهای سرمایه داری پیشرفته می کوشند از طریق سازمان تجارت جهانی و تحمیل نظرات و خواست های خود در آن سرکردگی خویش را بر جهان اعمال نمایند. در جریان مذاکرات ژنو، نمایندگان آمریکا و اتحادیه اروپا پیشنهاد کرده بودند در مقابل حذف یارانه ها و تعرفه های گمرکی به ویژه در چین و هند، سقف یارانه های پرداختی خود را در بخش کشاورزی تا مرز ۵۰ درصد کاهش دهند، این پیشنهاد نمی توانست مورد قبول واقع شود، زیرا حتی با کاهش ۵۰ درصدی بطور مثال میزان یارانه های پرداختی دولت آمریکا به بخش کشاورزی این کشور به بیش از ۱۵ میلیارد دلار

می رسد. آمریکا در سال ۲۰۰۷ میلادی فقط در چند رشته مانند پنبه و ذرت یارانه ای به مبلغ ۹ میلیارد دلار به بخش کشاورزی خود پرداخت کرده است تا قدرت رقابت محصولات و فرآورده های کشاورزی آمریکایی در بازار جهانی حفظ و تقویت شود. و این درحالیست که آمریکا و اتحادیه اروپا چند کشور فقیر آفریقایی نظیر بوریکنافاسو، مالی، چاد و بنین را تحت فشار قرار داده اند تا سیاست های حمایتی از کشاورزان خود را قطع کنند، پرداخت وام از سوی بانک جهانی به این کشورها نیز منوط به پذیرش درخواست سازمان تجارت جهانی و حذف یارانه ها است.

کشورهای امپریالیستی با توجه به مقاومت کشورهای در حال رشد و به ویژه چین و هند دست به اقدامات متعددی زده اند. شکایت برخی کشورها مانند کانادا و اتحادیه اروپا از چین به این دلیل که دولت چین با سرعت کافی بازارهای خود را به روی کالاهای غربی نمی گشاید و به مانع تراشی می پردازد و یا اقدام خصمانه اتحادیه اروپا در اعمال محدودیت های گسترده به برخی کالاهای چینی از جمله محصولات نساجی و کفش که راه این محصولات را به بازارهای اتحادیه اروپا بسته است، از این سلسله سیاست های برتری طلبانه امپریالیسم محسوب می گردد، نکته ظریف در اعمال فشار امپریالیسم به کشورهای در حال رشد و به ویژه جمهوری خلق چین، عبارت است از اینکه هرگاه روند مناسبات بازرگانی و اقتصادی در چارچوب سازمان تجارت جهانی با مشکل و یا درحقیقت با مقاومت و ایستادگی چین روبرو می شود. مسئله حمایت از "حقوق بشر" و "تقص حقوق بشر" توسط دولت چین در صدر مسایل قرار گرفته و پیرامون آن تبلیغ می شود. "حقوق بشر" ادعایی آمریکا و اتحادیه اروپا در خدمت اعمال سیاست های اقتصادی و بازرگانی این کشورها است. نمونه گویای این روش اقدام اتحادیه اروپا در ماه گذشته یعنی در آستانه مذاکرات ژنو بود. آمریکا و متحدانش با علم به اینکه چین با چه مواضعی در این مذاکرات شرکت خواهد کرد برای تحت فشار قرار دادن این کشور نخست توسط اتحادیه اروپا شکایتی مبنی بر "رفتا غیرسازنده" چین در اعمال محدودیت بر فعالیت های خارجی در این کشور تهیه کردند و سپس تبلیغات پرسروصدایی به نام "تقص حقوق بشر" توسط دولت چین در صدر اخبار رسانه های همگانی قرار گرفت. این اقدامات برای آن صورت گرفت که چین را وادار به عقب نشینی در مذاکرات ژنو کنند و به بن بست در سازمان تجارت جهانی پایان بخشند.

به هر روی اکنون مذاکرات سازمان تجارت جهانی در عمده ترین محورهای خود مانند آزادسازی تجارت، حذف یارانه ها، آزادسازی اقتصادی و جزاینها با شکست روبرو گردیده و برپایه برخی ارزیابی ها، بن بست کنونی می تواند تاثیر مستقیم بر صادرات امپریالیسم آمریکا و تضعیف بیشتر ارزش دلار در تجارت جهانی داشته باشد. بعلاوه مسئولان صندوق بین المللی پول و بانک جهانی با ابراز تاسف از شکست در مذاکرات ژنو اعلام داشتند، این دو نهاد در مقابل تمایل کشورهای در حال رشد و در رأس آنها چین، هند، برزیل و آفریقای جنوبی به ایجاد پیمان های منطقه ای و گسترش بازرگانی در چارچوب این پیمان ها ایستادگی کرده و سود آزاد سازی تجارت جهانی به فعالیت های خود ادامه خواهد داد. معاون مدیرکل صندوق بین المللی پول در این زمینه با اشاره به مواضع هند و آفریقای جنوبی در مخالفت با هجوم کالاهای آمریکا و اتحادیه اروپا به بازارهای جهان ضمن انتقاد از این مواضع، سیاست هند را غیر قابل قبول دانست و گفت ثبات اقتصادی جهان به آزادی سازی هر چه بیشتر تجارت و آزادی دادوستد بستگی دارد!!!

تاسف و خشم نهادهایی چون صندوق بین المللی پول و بانک جهانی بی دلیل نیست، بن بست کنونی در سازمان تجارت جهانی در اوضاعی پدید آمده که بحران اقتصادی-اجتماعی قدرت های امپریالیستی جهان را با چالش های جدی روبرو ساخته است. بحران اقتصادی آمریکا شدیدترین بحران در دهه های اخیر ارزیابی شده و برون رفت از آن به گفته سران بانک جهانی نیاز به زمانی طولانی دارد. نرخ بیکاری در آلمان یعنی قدرتمندترین اقتصاد اتحادیه اروپا طی ماه گذشته به ۸/۷ درصد رسید و میزان نرخ تورم رکورد ۳/۴ درصد را شکست. کاهش قدرت خرید مردم در ایتالیا، فرانسه، دانمارک، آلمان و اسپانیا سبب تنش های اجتماعی شده است. در ژاپن که یکی از قطب های جهان سرمایه داری است، برای نخستین بار طی سال های اخیر وزارت بازرگانی این کشور از کاهش چشمگیر تولیدات صنعتی ابراز نگرانی کرد.

شرکت های تویوتا، هوندا و سونی از اخراج های گسترده به دلیل وضعیت وخیم مالی خبر می دهند. رشد قیمت مواد غذایی بنابه اعتراف مسئولان بانک جهانی ۱۰۰ میلیون نفر را به جمعیت فقرا در جهان افزوده است. رییس صندوق بین المللی پول در تاریخ ۱۲ آوریل سال جاری میلادی با صراحت خاطر نشان ساخته بود با افزایش گرسنگی روند اقتصاد جهان در حال مختل شدن است! در چنین اوضاعی پرواضح است که نهادهایی چون بانک جهانی خواستار تقویت آمریکا و اتحادیه اروپا و ژاپن

## بحران در قفقاز خطر برای صلح جهانی

درگیری های نظامی ای که از روز ۱۸ مردادماه در گرجستان و جمهوری خودمختار «اوستیای جنوبی» آغاز شد، افزون بر عواقب وحشتناک انسانی، به لحاظ تأثیری که در موازنه نیرو در سطح بین المللی خواهد داشت، را نمی توان یک رخداد محلی قلمداد کرد. حمله نظامی غافلگیرانه و غیر قابل توجه ارتش گرجستان به اوستیای جنوبی را باید طرحی ناشیانه برای گسترش «جنگ طولانی» امپریالیسم آمریکا برای گسترش هژمونی خود، جنگی که از بالکان آغاز شده و در افغانستان و عراق و سومالی ادامه داشته است، در این منطقه جهان دانست.

عکس العمل دولت روسیه در مقابل این اقدام تحریک آمیز دولت تفلیس و گسیل واحدهای نظامی ارتش روسیه برای باز راندن ارتش گرجستان از اوستیای جنوبی و وارد آوردن آسیب های اساسی به توانایی های آن، و تحت کنترل گرفتن مواضع کلیدی در گرجستان، یکباره تصویرگر شرایط نوظهوری در اروپای شرقی و قلمرو اتحاد جماهیر شوروی سابق شد. دولت سرمایه داری روسیه پس از دو دهه تمکین به طرح ها و مانورهای ایالات متحده و متحدان اروپایی آن، بر پایه تجدید سازمان و مدرنیزه کردن نیروهای نظامی و متکی بر امکانات نیرومند اقتصادی خود، در دفاع از منافع استراتژیک خود در شرق اروپا، قفقاز و کشورهای آسیای مرکزی و میانه که آن را به دلیل گسترش ناتو به سمت شرق و طرح های نظامی آمریکا نظیر «استقرار» (سپر دفاعی موشکی) در جمهوری چک مورد تهدید می یابد، اکنون در مقابل سیاست آمریکا موضع گرفته است. این مشخصه ویژه درگیری های گرجستان، یعنی بروز مشخص درگیری و رقابت های بین امپریالیستی را نمی باید و نمی توان بی اهمیت قلمداد نمود.

این برای اولین بار از سال ۱۹۹۱ است که دولت روسیه عملاً و در تقابل با طرح های ایالات متحده، جهت فعل و انفعالات منطقه همسایه خود را تعیین می کند و این به مذاق «نومحافظه کاران» در دولت ایالات متحده خوش نمی آید. آنان یکی از اهداف اصلی خود را جلوگیری از ظهور روسیه به مثابه یک قدرت رقیب تعیین کننده در شرق اروپا و قلمرو اتحاد جماهیر شوروی سابق قرار داده اند.

حمله گرجستان به اوستیای جنوبی در ۱۸ مردادماه، که حساب شده و در شرایطی که همه نگاه ها متوجه شروع المپیک پکن بود، و مطمئناً با تشویق محافل مشخصی در حاکمیت ایالات متحده و ناتو صورت گرفت، روسیه را مجبور به موضع گیری نمود. اشتباه محاسبه اساسی دولت گرجستان در اقدام به چنین عمل تحریک آمیزی را می بایست از یکسو محصول «چراغ سبز» محافل حاکمه آمریکا و از سوی دیگر تمایل ساکاشویلی، رئیس جمهور ماجراجوی این کشور به حتمی و یکسویه کردن روند پیوستن این کشور به پیمان ناتو دانست. گرجستان در دو دهه اخیر بطور فزاینده ای نقش یکی از اقطار ایالات متحده آمریکا در همسایگی روسیه را به عهده گرفته است. اکنون مشخص شده است که یک ماه قبل از اقدام ماجراجویانه ساکاشویلی به صدور فرمان تجاوز نظامی به جمهوری خودگردان اوستیای جنوبی، کاندولیزا رایس در ملاقات خود با او در این رابطه گفتگو داشته است.

تحلیل گران مطلع معتقدند که «ناتوکان» های دولت آمریکا به رهبری دیک چنی، معاون رئیس جمهور، قدرت نمائی روسیه و تحولات اخیر را نه فقط برضد طرح استراتژیک خود برای جلوگیری از ایجاد یک مرکز قدرت رقیب، بلکه تهدیدی برای سیاست ایالات متحده در مورد کنترل منابع اصلی انرژی جهان می دانند. خط لوله استراتژیکی که نفت منابع عظیم حوضه دریای خزر را به بندر «جیپهان» در ترکیه می رساند، از مسیر گرجستان می گذرد. این تنها خط لوله ای است که از مسیر روسیه نمی گذرد و لذا انحصار های نفتی غربی روی ادامه جریان نفت در آن کنترل کامل دارند. به این دلیل است که جورج بوش در سال های اخیر توجه ویژه ای به دولت گرجستان داشته است که مانند همه دولت های پیشین این کشور از سال ۱۹۹۱ به بعد از طریق کودتا به قدرت رسیده است. بر رغم اینکه هیچ کدام از این دولت ها منتخب مردم نبوده اند، و بر رغم سرکوب فعالان سیاسی اپوزیسیون در

آبانماه گذشته در گرجستان، دولت تفلیس به مثابه یک «دموکراسی» طرفدار غرب مورد تعریف و تمجید واشنگتن بوده است. گویا که طرفدار غرب بودن همانا معیار دموکرات بودن یک نیروی سیاسی می باشد. ازین رو است پرزیدنت ساکاشویلی اعلام می دارد که حمله متقابل روسیه به گرجستان: «حمله به ایالات متحده می باشد» و سخنگوی او نتیجه می گیرد که اگر امروز به روسیه اجازه داده شود که وارد اوستیای جنوبی بشود، فردا می تواند سر و کله آنها در هر پایتخت اروپائی دیگر پیدا شود.

همانگونه که گفته شد حمله گرجستان به جمهوری خودگردان اوستیای جنوبی ارتباط مستقیم با سیاست های امپریالیسم برای گسترش هژمونی خود در شرق اروپا و آسیای میانه دارد که شرایط آن پس از امضای توافق نامه سپر دفاع موشکی میان آمریکا و جمهوری چک ابعاد جدی و نگران کننده به خود گرفته است. برای تشخیص علل تنش ها و درگیری نظامی اخیر در قفقاز و اوضاع به شدت بغرنج اوستیای جنوبی باید کمی به عقب بازگشت و حوادث چندین ماهه اخیر را در منطقه مورد توجه قرار داد.

پس از آنکه کاندولیزا رایس وزیر خارجه ایالات متحده با صراحت اعلام داشت به رغم مخالفت جدی روسیه و رای منفی ۱۰ کشور عضو ناتو (از جمله آلمان، فرانسه و انگلستان) با عضویت گرجستان در این پیمان نظامی، آمریکا آینده گرجستان را در پیوستن به ناتو می بیند، مقامات تفلیس با پشت گرمی حمایت های کاخ سفید به رشته اقدامات خود برای هماهنگی بیشتر با سیاست های ناتو در منطقه افزودند. روسیه نیز با توجه به موقعیت استراتژیک این منطقه باردیگر نسبت به شکل گیری ترتیبات امنیتی-نظامی جدید با مشارکت ناتو در قفقاز و حوزه دریای سیاه واکنش نشان داده و آن را غیر قابل پذیرش خوانده است. برخوردهای لفظی و دیپلماتیک به دنبال طرح مسئله اختلافات در شورای امنیت سازمان ملل و انتشار اطلاعاتی ای از جانب ۳ کشور آمریکا، انگلستان و فرانسه در حمایت از گرجستان وارد مرحله جدیدی شد و تنش های فزاینده ای را در روابط مسکو-تفلیس پدید آورد. وزیر خارجه گرجستان پس از برگزاری نشست شورای امنیت سازمان ملل در جمع خبرنگاران خاطر نشان ساخت: «فکر می کنم بیانیه ای که به نمایندگی از گروه «دوستی» منتشر شد به روشنی نشان می دهد که اجماع کاملی درباره سیاست روسیه و تهدیدهای ناشی از آن وجود دارد.» قبل از این نشست جنگنده های روسیه دو هواپیمای جاسوسی گرجستان بر فراز جمهوری های خود مختار اوستیای جنوبی و ابخاز را سرنگون ساخته بودند. این اقدام روابط دو کشور همسایه را به شدت متشنج ساخت به شکلی که وزیر کشور گرجستان رسماً اعلام کرد، کشورش به جنگ با روسیه بسیار نزدیک گردیده است. در مقابل نیز مقامات روسیه با محکوم کردن سیاست های دولت گرجستان تشنج فزاینده در قفقاز را به این دولت نسبت داد و یادآور شد: «در آینده نزدیک خطر حمله نظامی گرجستان به دو جمهوری ابخاز و اوستیای جنوبی وجود دارد، در صورت به راه افتادن مناقشه نظامی از سوی گرجستان، روسیه از روش های نظامی برای دفاع از هموطنان خود در این مناطق، استفاده می کند.»

در این گیرودار در اواسط اردیبهشت ماه سال جاری ، گرجستان بطور رسمی از قرارداد همکاری با روسیه در زمینه دفاع ضد هوایی که در سال ۱۹۹۵ به امضاء رسیده بود خارج شد و روسیه نیز بلافاصله بیش از ۴۰۰ تن از نیروهای ویژه هوایرد (چتر باز) خود را

### ادامه در صفحه ۵

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

- آدرس های پستی: 1. Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany  
2. B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK  
http://www.tudehpartyiran.org آدرس های اینترنت و «ای-میل»  
E-Mail: dabirxhaneh\_hti@yahoo.de

**Nameh Mardom No. 797**  
**Central Organ of the Tudeh Party of Iran**

**Saturday 16th August 2008**

شماره فاکس و تلفن  
پیام گیر ما

۰۰۴۹۳۰  
۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

نام  
IRANe.V.  
شماره حساب  
790020580  
کد بانک  
10050000  
بانک  
Berliner Sparkasse